

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر لاستا  
برگردان از: حمید محوی  
۲۱ سپتمبر ۲۰۱۳

## جنگ در سوریه : جنگی برای انرژی



الکساندر لاستا روزنامه نگار فرانسوی است که در روسیه زندگی می کند و گرداننده سایت «دیسونانس» (۸) است که به هدف – نگاهی دیگر به روسیه – فعالیت می کند.



در حالی که جنگ در سوریه ادامه می یابد، جریان های حاکم در رسانه ها که بی وقفه دولت سوریه را زیر ضرب گرفته اند، همچنان یاد آوری وجه بنیادی این جنگ را یعنی وجه مرتبط به انرژی و به ویژه موضوع ذخائر گاز را به فراموشی می سپارند. این عامل پشتیبانی فعال روسیه را نه از شخص بشار الاسد، بلکه پیش از همه برای اجتناب از فروپاشی رژیم سوریه، توضیح می دهد. زیرا فروپاشی رژیم که از خارج خواهان آن هستند عنصر جغرافیای سیاسی بوده که با ساز و کار بسیار گسترده تری مستقیماً علیه روسیه به کار انداخته شده است.

هنگامی که روسیه طی سال های ۲۰۰۰ شروع کرد به سر و سامان دادن به وضعیتش و سر بلند کرد، در این دوران بود که به سد اصلی برای کنترل انرژی و راه های انتقال انرژی بین اروپا و آسیا از طریق بالکان تبدیل شد که ستراتیژیست های امریکائی برنامه ریزی کرده بودند و با جنگ صربیی در سال ۱۹۹۹ آغاز گردید.

امریکا و اتحادیه اروپا تمام راه های ممکن برای متنوع سازی تأمین نیازمندی های کشور های اروپائی را برای کاهش وابستگی به مسکو جست و جو می کنند و این سر آغازی است برای طرح لوله های گاز «نابوکو» (۱) که امروز کاملاً رها شده است. این طرح به اروپائی ها اجازه می داد تا نیازهای خود را از ذخایر گاز جمهوری آذربایجان و ترکمنستان تأمین کنند. لوله گاز می بایستی با اجتناب از روسیه از ترکیه عبور کند و یونان را نیز دور بزند.

پیرامون این طرح، یک نقشه جغرافیای سیاسی بلند پروازانه امریکائی وجود داشت: به این معنا که ترکیه به عنوان همپیمان به محور مرکزی خاورمیانه بزرگ آینده تبدیل شود و در عین حال به مرکز منطقه جریان انتقال انرژی بین بالکان و خاورمیانه ارتقاء یابد.

بر این اساس تمایلات امریکائی ها برای ملحق شدن ترکیه به اتحادیه اروپا به این علت است که آن را در بطن خودشان حفظ کنند، یعنی وضعیتی که به آنها اجازه می دهد مستقیماً ولی قاطعانه تأمین انرژی اروپا را کنترل کنند و خاصه از اتحاد قاره ئی بین روسیه و اروپا پیرامون انرژی جلوگیری کنند که برای منافع امریکائی ها تهدید آمیز تلقی می شود.



- لوله گاز نابوکو
- لوله گاز جریان جنوبی (سا استریم)

با این وجود طرح نابوکو شکست خورد زیرا ترکمنستان با چین هم پیمان شد و جمهوری آذربایجان نیز به طرح «سات استریم» (۲) روسیه تمایل پیدا کرد. هدف سات استریم که طی سال ۲۰۰۷ گسترش یافت، می بایستی به روسیه اجازه دهد تا کنترل تأمین اروپا را از طریق دریای مازندران و قزاقستان (عضو اتحادیه گمرکات)، به انضمام صربستان که از دیدگاه تأمین انرژی برای اتحادیه اروپا، در آینده، به همان اندازه اهمیت دارد که اوکراین در حال حاضر. اوکرائینی که به شکل قاطعانه روی برگردانده تا دیگر با رویدادهائی مانند رویدادهای سال ۲۰۰۶ و قطع نیازمندی های اروپا روبه رو نشود.

پس از ورشکستگی یونان طی بحران مالی، روسیه در صدد باز خرید شرکت گاز یونان از طریق «گازپروم» (۳) برآمد. این مذاکرات با مداخله ایالات متحده متوقف شد زیرا به یونان هوشدار داد که در زمینه انرژی با مسکو همکاری نکند، زیرا قرارداد با گازپروم به مسکو اجازه می داد که مواضعش را در رابطه با بازار انرژی منطقه تقویت کند. سات استریم، با این وصف، یک شبکه به سوی یونان را پیشبینی کرده که طرح به حالت تکوین یافته ارتقاء خواهد داد، یعنی تحول بخشیدن به این طرح به مفهوم پل انرژی تیک ارتدوکس به سوی اروپا.

در حال حاضر وضعیت آنکارا خیلی مبهم است. آنکارا در زمینه انرژی به دلیل «بلو استریم» (۴) قویاً به روسیه وابسته است، مضافاً بر این که با پیوند زدن به این دو شبکه «سات استریم و بلو استریم» موافقت کرده است. علاوه بر این، ترکیه به عنوان دومین قدرت ناتو، برای پیوستن به سازمان شانگهای (اتحادیه نظامی به مدیریت چین/روسیه) در آغاز سال ۲۰۱۳ قرارداد همکاری امضاء کرده که اعتبار آن مشروط به گفت و گوهای مقدماتی می باشد. آیا چنین تصمیمی را باید عنوان روی برگرداندن قطعی از ناتو تلقی کنیم؟

سوریه، درگیر و دار جنگ و منازعات مذهبی بین شیعه و سنی (۵) مستقیماً با دو طرح نابوکو و سات استریم که در بالا مطرح کردیم، مرتبط می باشد.

سال ۲۰۰۹ طرحی تحت عنوان «اتحادیه لوله گاز» (فرندچپ پیپولین) (۶) توسط سه کشور شیعه مذهب (از دیدگاه دولتی) ایران، عراق و سوریه راه اندازی شد. لوله گاز ایران را به هدف تأمین انرژی اروپا با اجتناب از خاک ترکیه به مدیترانه منتقل می سازد. این طرح می بایستی به ایران اجازه دهد که گاز خود را به اروپا منتقل سازد، و در عین حال یک شبکه به سوی لبنان نیز ایجاد کند، به گفته «رولان لومباردی» این طرح در نهایت می بایستی به شبکه «سات استریم» وصل شود. باید یادآوری کنیم که ایران به عنوان ذخیره اصلی که می بایستی طرح «نابوکو» را تغذیه کند مطرح بود ولی به دلایل سیاسی فوراً حذف شد، و بی گمان به این علت که سرنگون سازی رژیم ایران، چه از طریق خشونت نظامی و چه از طریق نطفه انقلاب رنگی که سال ۲۰۰۹ شاهد آن بودیم (۷)، بیش از پیش نامحتمل به نظر می رسید.

سال ۲۰۰۹ طرح دیگری راه اندازی شد، اینبار یک کشور سنی ضمانت پنتاگون را دریافت کرد. گاز قطر برای تغذیه اروپا، می بایستی از طریق لوله گاز از قطر به عربستان سعودی و سپس سوریه و سرانجام از طریق ترکیه راه اندازی شود. این طرح در عین حال طرح نابوکو را دوباره فعال می ساخت. طرح نابوکو از پشتیبانی ترکیه و امریکا برخوردار بود که به دلیل فقدان تحویل دهندگان معتبر گاز تعطیل شده بود. البته، اجرای طرح گاز قطر، اگر رژیم بشار الاسد سرنگون نشود و به جای آن یک دولت فرمانبردار سر کار آورده نشود، تحقق ناپذیر خواهد بود. در چنین عمقی از چشم انداز طرح های متنوع گاز است که می توانیم پافشاری برخی از کشورها را در سرنگون سازی رژیم بشار اسد و پشتیبانی از به اصطلاح اپوزیسیون سوریه را درک کنیم.

می بینیم که نقطه مرکزی رقابت بین تولید کنندگان گاز، اتحادیه اروپا است، این بازار معتبری که مصرف گاز حتی با وجود بحران رو به افزایش دارد.

بیش از هر زمان دیگری، مدیترانه حادثه ساز خواهد بود زیرا بازیگران نوینی وارد صحنه این بازار خواهند شد. اسرائیل و قبرس در سواحل خود ذخائر گاز حجیمی را کشف کرده اند، این دو کشور در فاصله زمانی متوسط به صادر کنندگان مهمی تبدیل خواهند شد.

در بستر مدیترانه شرقی، کشف ذخائر گاز در سواحل آغاز شده و لبنان و سوریه نیز از ذخائر خودشان می توانند بهره برداری کنند.

برای بهره برداری، دو راه حل که بازرگانی و جغرافیای سیاسی را مخلوط می کند در رویارویی با یک دیگر قرار می گیرد. ایالت متحده مدافع شبکه لوله های گازی هستند که باید اروپا را تغذیه کند و از ترکیه عبور کند و فشار روی اسرائیل از هم اکنون آغاز شده است. روس ها ترجیح می دهند که گاز به شکل مایع از طریق کشتی های حمل گاز مایع به سوی آسیای صنعتی منتقل شود.

به نظر می رسد که بازی بزرگ انرژی شتاب می گیرد، و چندین طرح انرژی و تمدنی را در رویارویی با یک دیگر قرار داده و به روشنی بلند پروازی های سیاسی و ستراتیژیک جبهه های سیاسی را نشان می دهد و به روشنی می بینیم که جنگ انرژی بین آنها بیش از پیش در حال گسترش است.

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/la-guerre-en-syrie-une-guerre-pour-lenergie/5350361>

1) Nabucco

2) Southe Stream

3) Gazprom

4) Blue Stream

۵) مترجم : جنگ تجاوزکارانه و نه جنگ داخلی. و اگر بین مذاهب شیعه سنی جنگی وجود دارد – که من از آن بی اطلاع هستم - محصول ساختگی همان تجاوز امپریالیسم غربی به سوریه بوده است.

6) [Friendship Pipeline](#)

۷) مترجم : در ترجمه بسیاری از نوشته های تحلیل گران خارجی، من دائماً با موضوع جنبش سبز برخورد کرده ام و می بینم که تحلیل گران غربی – و نه اپوزیسیون های ایرانی و مدافعان جنبش سبز – دائماً جنبش سبز را به عنوان یک ترفند پتناگونی معرفی کرده اند.

8) *DISSONANCE*

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۳

منطقه : خاورمیانه و افریقای شمالی

مضمون : جنگ ایالات متحده-ناتو، نفت و گاز، انرژی

تحلیل : سوریه